نویسنده فیلمنامه «دسته دختران» مطرح کرد

هرقدر درباره زنان در جنگ فیلم بسازیم، بازهم حق مطلب را ادا نکرده‌ایم

میلاد اکبرنژاد با اشـــاره به اینکه هیچ اغراقی در به تصویر کشـــیدن نقش زنان در جنگ تحمیلـــی صورت نگرفته، گفـــت: نقش زنان در این جنگ آنقدر پر رنگ اســـت که هرچقدر درباره آن فیلم بســـازیم، بـــاز هم حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.

به گزارش خبرنگار ایلنا، فیلم سینمایی «دسته دختران» دومین تجربه کارگردانی منیـــر قیدی که برای اولین بار در چهلمین جشـــنواره فیلم فجر نمایش داده شـــد، در سینماهای کشور در حال اکران است.

این فیلم که تا امروز توانسته بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون تومان فروش داشته باشد رواینگر مقاومت و ایثار زنان در روزهای پرتلاطم ابتدایی جنگ است و بازیگرانی چون نیکی کریمی، پانته‌آ پناهی‌ها، فرشته حسینی، هدی زین‌العابدین، حسین ســـلیمانی و صدف عسگری در آن ایفای نقش می‌کنند.

فیلمنامه «دسته دختران» به صورت گروهی توسط منیر قیدی، میلاد اکبرنژاد و ابراهیم امینی نوشته شده است و یکی از مسائل مورد بحث درباره این فیلم نیز در روزهای نمایش آن در جشـــنواره فجر فیلمنامه آن بود که نظرات ضد و نقیضی درباره آن مطرح شـــد و برخی فیلمنامه را از نقـــاط ضعف فیلم می‌دانســـتند و برخی نظر متفاوتی داشتند.

به بهانه اکران «دسته دختران» ایلنا با میلاد اکبرنژاد (یکی از نویسندگان فیلمنامه) گفتگویی داشته که بخش‌هایی از این گفتگو را می‌خوانید:

در ســـینمای ایران کمتر فیلمنامه ســـینمایی را می‌توان نام برد که به شکل گروهی نوشته شده، از تجربه نگارش «دسته دختران» بگویید.

منیر قیدی را از «ویلایی‌ها» نخستین فیلمش می‌شناختم اما تا قبل از «دسته دختران» با او مراوده‌ای نداشتم. من پس از آن کـــه ابراهیم امینی و منیر قیدی طرح ابتدایی فیلمنامه را نوشتنه بودند به گروه ملحق شدم. این دو نفر پژوهش‌هایی را هم انجام داده بودند اما مجدد طرح تغییر کرد و تحقیقات را هم از سر گرفتیم.

در کنار گروه نویسندگان، مسئول پژوهشی را داشتیم که با افراد مرتبط مصاحبه می‌کرد و منابع زیادی را هم درباره جنگ تحمیلی مطالعه می‌کرد. ما با مســـئول پژوهش در تـــلاش بودیم تا بهترینِ منابع را بررســـی کنیم و نتیجه تمام آن تحقیقات، این بود که ماجرای «دسته دختران» برگرفته شده از واقعیت باشد.

در گروه نویسندگان چطور به جمع‌بندی مشترکی درباره مسیر قصه می‌رسیدید؟

باید بگویم که سخت بود زیرا هر سه نفرمان قصد داشتیم تـــا بهترین قصـــه را روی کاغذ بیاوریم. به نوعی شـــور و هیجان هم داشتیم و همین امر لازمه دقت فراوان‌تری هم بود. طبیعتا ما سه نفر بودیم که هر کدام تخیل خودمان را داشـــتیم و گاهی اختلاف نظر هم پیش می‌آمد و یا به نتیجه مشابهی نمی‌رسیدیم. در این زمان، خانم قیدی که خودش هم کارگردان پروژه بود، مسئله را حل می‌کرد و حرف آخر را می‌زد. از این جهت، وجود ایشـــان در جمع فیلمنامه‌نویسان بسیار اثرگذار بود.

به عنوان یک نویسنده مرد برای درک دنیای زنانه فیلم چه روش‌هایی را به کار بردید؟

خیلی‌ها معتقدند که نویسنده مرد نمی‌تواند کاراکتر زن را خلـــق کند در حالی که این طور نیســـت و از نظر من لزومی ندارد که من زن باشم تا بتوانم به ذهنیات، عواطف، احساسات و تجربه‌ها زنان بپردازم. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که پیچیده‌ترین کاراکترهای زن را نویسندگان مرد نوشته‌اند. این گزاره درباره مردان هم صدق می‌کند؛ یعنی نویسنده خانم هم می‌تواند دنیای مردانه را بیافریند. جدا از تمام این مسائل، کمک گرفتن از افراد مرتبط برای شخصیت‌پردازی می‌تواند کمک بزرگی باشد به خصوص زمانی که پـــروژه‌ای را گروهی می‌نویســـیم و در کارمان ســـرعت مهم است، کمک گرفتن برای خلق شخصیت‌ها در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد. در فیلم ســـینمایی «دســـته دختـــران» هم حضور منیر قیدی در جمع نویســـندگان بسیار موثر بود زیرا می‌توانست درباره عواطف و احساسات زنانه به ما مشورت دهد.

در فیلم «دسته دختران» بر خلاف دیگر فیلم‌های دفاع مقدس، کاراکترها بـــرای کار خطرناکی که انجام می‌دهند انگیزه شـــخصی دارند. چرا برای کاراکترها به جای انگیزه‌هایی چون میهن‌پرستی و... انگیزه‌های شخصی انتخاب کردید؟

هیچ داســـتانی در دنیـــا وجهه عمومـــی و همگانی پیدا نمی‌کند مگر اینکـــه کاراکترهای اصلی داســـتان از دل خواسته‌ها و نیازهای شخصی‌شان به یک استحکام فکری در انتهای داســـتان برسند. آن استحکام در واقع منظری می‌شود که مورد قبول اکثر مردمی است که فیلم را نگاه می‌کنند.

من زمانی که می‌خواهم بـــرای دیگران کاری انجام دهم در وهلـــه اول اگر نفعی به من نرســـد، عملاً آن اقدامم نه انتهایی خواهد داشـــت و نه قادر هستم که برای رسیدن به آن دشوارترین موانع را پشت سر بگذارم چرا که اولین کسی که مانع من می‌شـــود خودِ من هستم و این سوال برای من در شـــرایط سخت پیش خواهد آمد که چرا باید کاری انجام دهم که سودی برای من ندارد.

وقتی از سود حرف می‌زنیم در واقع منظور می‌تواند چیزی غیر از ســـود مادی باشـــد، گاهی وقت‌ها احساس قدرت، احســـاس لذت، آرامش و آســـایش هم نوعی سود است. به عنوان مثال اگر قرار باشـــد من برای دوستم کتابی را هدیه ببرم شـــاید سودی برای من نداشته باشد اما من او را خوشحال کرده‌ام و خوشحالی او باعث شده که من هم خوشحال شوم و این منجر به تداوم دوستی ما خواهد شد و من به این دوستی احتیاج دارم پس در نهایت برای من سودی وجود دارد.

در «دســـته دختـــران» و اصـــولاً در ژانر جنـــگ که در کشـــور ما به ژانر دفاع مقدس آن را می‌شناســـیم یکی از معضلاتی که تقریباً کارهای مربوط به دفاع را زیر ســـوال می‌برد همین قصه اســـت؛ آدم‌ها بدون هیچ دلیل موجه و منطقی می‌خواهند فداکاری کنند و کاری انجام دهند در حالیکـــه تا من نخواهم از خودم، خانـــه‌ام و خانواده‌ام دفاع کنم نمی‌توانم دیگران را هم زیر سایه این اقدام قرار دهم. در واقع وقتی مـــن خانه‌ام امن می‌ماند می‌توانم به امنیت دیگر خانه‌ها فکر کنم. کسی که خانه‌اش در گیلان قرار دارد به این دلیل به جنوب کشور می‌رود و می‌جنگد که می‌داند دشـــمن پس از خرمشـــهر سراغ شهر و خانه او هم خواهد آمد پس بـــا وجود اینکه من خودم را برای خانه دیگری به خطر می‌اندازم یک انگیزه شـــخصی هم در پس انگیزه‌های دیگر او وجود دارد. بنابراین کاراکترها «دسته دختران» باید در ابتدا انگیزه‌های شخصی داشته باشـــند تا بتوانند مصیبت را تاب بیاورند، وقتی از دل این مصیبت می‌گذرند پخته می‌شـــوند و آدم‌هایی که از دل بحران‌ها می‌گذرند و به بلوغ می‌رســـند آدم‌هایی هستند که از خودشـــان عبور می‌کنند. ما وقتی کودک هستیم فقط به خودمان فکر می‌کنم و زمانی نشـــانه‌های بلوغ در ما پدیدار می‌شـــود که به نفع خواهر یا برادرمان کاری را انجام می‌دهیم، کاراکترهای جنگ هم همین شـــرایط را دارند، باید از دل آتش عبور کنند و وقتی از دل آتش عبور کردند آن زمان است که می‌توانند برای دیگری جان خود را به خطر بیندازند.

در ســـینمای ایران ژانری با عنوان «دفاع مقدس» تعریف شده است که با سینمای جنگ تفاوت‌های اندکی دارد. آیا در «دسته دختران» به این تفاوت‌ها توجه داشتید؟

جنگ هشت ساله ما با جنگ‌های مختلف دنیا به این معنا تفاوت دارد که اصولاً جنگ یا در واقع دفاع هر کشـــوری با کشـــورهای دیگر متفاوت اســـت. به عنوان مثال دفاع لهســـتانی‌ها در برابر هیتلر با دفاع مردمان چک در مقابل ارتش کمونیستی شـــوروی تفاوت دارد چرا که دو کشور متفاوت هستند که شاید نشانه‌های فرهنگی مشترکی هم داشته باشند و به همین شکل دفاع مردم ویتنام در برابر حملات آمریکا یـــا در دوره‌ای دفاع مردم چین در مقابل ژاپنی‌ها با دیگر کشورها متفاوت است.

مناســـبات فرهنگی، اعتقادی، جغرافیایی و تاریخی یک ملت با ملت دیگر باعث می‌شود که شکل دفاع این کشور و جنگی که در آن رخ می‌دهد متفاوت باشـــد. حتی دفاع ملت مـــا در برابر صدام با دفاع عراقی‌هـــا در برابر داعش تفاوت دارد؛ به هر حال یک پیشـــینه فرهنگی و تاریخی مـــا را مجزا می‌کند و از این حیث به تفاوت‌ها اعتقاد دارم اما اگر ما بخواهیم بگوییم این ژانر وقتی در جهان ما قرار می‌گیرد با ژانر جنگ از اســـاس تفاوت دارد، ماجرا کمی متفاوت می‌شود.

وقتی ما می‌گوییم که مردمانی در مقابل ارتش هیتلر در یک شـــهر مقاومت کردند یا وقتی درسدن در آلمان زیر بمبـــاران آمریکایی‌ها و متحدانش قرار گرفت اگر مردمی در آن‌جا بودند (که برخی می‌گویند کســـی در آن منطقه نبـــوده) و مقاومت می‌کردند و مردمی که در بوســـنی و هرزگوین در برابر ارتش صرب قرار گرفتند هر دو عملشان از جنس مقاومت است و هر دو می‌خواستند از خودشان، کودکانشان و خانه‌شان دفاع کنند. در این مورد ما تفاوتی با هم نداریم و اگر تفاوت جزئی وجود دارد مربوط به ژانر نمی‌شـــود بلکه مربوط به تفاوت‌های فرهنگی می‌شود و ممکن است در ظرافت‌های ژانر منجر به تفاوت شود؛ مثل تفاوت وســـترن آمریکایی با وسترن اسپاگتی. در غیر این صورت من تفاوتی مشاهده نمی‌کنم.

امـــا برخی منتقدان بر این عقیده‌اند که «دســـته دختـــران» جنـــگ مـــا را روایـــت نمی‌کند و روایتی‌هالیوودی دارد.

بـــه نظر من کســـانی کـــه این حـــرف را می‌زننـــد باید مستندهای روزهای اول جنگ را ببینند. به نظرم می‌شود این مستندها را پیدا کرد یا حتی می‌توانند یادداشت‌ها و خاطراتی که مردم عادی نوشته‌اند را بخوانند یا از کسانی که در آن شرایط بوده‌اند صحبت کنند.

وقتی عراق به خرمشهر حمله کرد تصمیم داشت خرمشهر را فتح کند و آن را بخشی از مایملک خود قرار دهد. وقتی شما می‌خواهید شهری را بگیرید و فتح کنید دیگر رحمی در کارتان نیست چون قصد عراق نگاه صلح‌آمیزی ندارد کـــه بگوید بیایید درباره این شـــهرها صحبت کنیم و آن را مال خود کنیم، خشـــونت و نگاه متجاوز دشمن وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم یک پیش‌فرض غلط پان‌عربیسم هم درباره خرمشـــهر دارد و دشمن آن را متعلق به خود می‌داند.

ســـال‌ها عرب‌های ایرانی با عرب‌های آن سوی اروند رود زندگی می‌کردند و مرزها فقط جغرافیا را تعیین می‌کردند نه مراودات انسانی را و هیچ اختلافی به جز مسائلی جزئی نداشتند اما وقتی صدام تصمیم گرفت به ما حمله کند از زمین و آسمان روی سر مردم ما آتش ریخت و می‌گویند کوچه‌ها مثل زمانی بود که شخم زده می‌شوند. وقتی شما با چنین وضعیتی روبرو هســـتید چه بحثی درباره ایرانی یاهالیوودی بودن تصاویر وجود دارد؟ شـــما واقعیت را به تصویر می‌کشید و تصویر این ویرانی‌ها در همه جای دنیا ممکن است به وجود بیاید.

اگر جنگیدن چنـــد زن در جبهه‌ها راهالیوودی می‌دانند بهتر اســـت به خاطرات این کاراکترهایـــی که به تصویر کشیده شده‌اند رجوع کنند و ببینند که آن‌ها واقعاً وجود داشـــتند و اتفاقاً بسیاری از این آدم‌ها هنوز در قید حیات هستند و می‌توانند از آن‌ها سوال بپرسند. نکته دیگر این است که آدم‌های این قصه انگیزه‌های شخصی داشتند و به جنگ رفتند اما چه موفقیت‌هایی به دست آوردند؟ هیچ موفقیتی به دست نیاوردند و این واقعیت جنگ است؛ این دیگرهالیوودی نیست.

من اصلاً این اصطلاح را به رســـمیت نمی‌شناسم ولی بر اساس تصوری که دوستان ازهالیوود دارند باید بگویم که اگر این فیلم به دنبـــال تصویری‌هالیوودی از جنگ بود، باید شـــخصیت‌هایش به موفقیتی دست پیدا می‌کردند اما شخصیت‌های «دسته دختران» هیچ موفقیتی کسب نمی‌کننـــد. در واقع علاوه بر واقعیت‌هـــای تاریخی روند داستان هم غیرهالیوودی است، دسته از زنان که نمی‌دانند با چه چیزی طرف هستند و حتی به نتیجه هم نمی‌رسند. این خود زندگی و وضعیت خرمشهر در آن روزها است.

کارگردان نمایش «کافه کات»:

عصبانی نیستم و گله‌ای هم ندارم!

حســـین کیانی که این روزها نمایش «کافه کات» را در تماشاخانه ایرانشهر اجرا می‌کند، گفت: در حال حاضـــر دو نوع نگرش درباره اجـــرای تئاتر وجود دارد کـــه هر دو محترم اســـت. شخصا کار نکردن را نمی‌پسندم ولی نسبت به دوستانی که تصمیم گرفته‌اند کار نکنند نیـــز عصبانیتی ندارم و به نظرشـــان احتـــرام می‌گـــذارم و بابت شـــرایط اجرای نمایش هم گله‌ای ندارم.

این نویســـنده و کارگردان تئاتر در گفتگو با ایسنا توضیحاتی درباره محتوای نمایش خود ارایه و تاکید کرد اگر تماشاگر مسائل خود را در تئاتر نبیند، به دیدن آن نمی‌آید و تئاتر به عنوان یک هنر اجتماعی نمی‌تواند به مسائل پیرامون خود بی‌اعتنا باشد.

کیانی در آغاز درباره درون‌مایه نمایش خود که به مشکلات دوران بلوغ و اغفال دختران جوان توسط مردی سوءاستفاده‌گر می‌پردازد، توضیح داد: رخدادی که در این نمایشـــنامه هدف است و دراماتیک شده، اتفاقی است که سه چهار ســـال پیش رخ داد و متاسفانه در جامعه ما در حال تکرار است. ماجرای نمایش ما درباره اغفال دختران جوان توسط مردی هوس‌ران است که از دختران نوجوان و جوان بهره جنسی می‌برد و با تهدید آنان به پخش فیلم و عکس‌هایشـــان، از آنان سوءاستفاده می‌کرد. درواقع یک رخداد واقعی سبب‌ساز نوشتن این متن شد. البته در حال حاضر آن مرد بـــه مجریان قانون تحویل داده و برایش حکم اعدام صادر شـــده اســـت ولی فارغ از فرجام چنین کســـی، برایم مهم بود که در قالب یک نمایش نقـــاد، بابت این موضوع و این گونه سوءاســـتفاده‌ها در جامعه خودمان هشدار بدهم.

او مشاوره‌های روانی به ویژه در دوران بلوغ را یکی از مباحث مغفول در جامعه ما دانســـت و ادامه داد: متاسفانه مشـــاوره‌های روانی و اجتماعی در جامعه مـــا بخصوص در دوران بلوغ چندان جدی گرفته نمی‌شود و همچنان آموزش مســـائل بلوغ در جامعه ما به صورت درست و اصولی رخ نمی‌دهد. به همین سبب نوجوانان اعم از دختر و پسر در دل جامعه به این آموزش‌ها دست می‌یابند که اصلا مجرای مناسبی نیست زیرا در بطن جامعه همه نوع آسیبی وجود دارد.

کیانی با اعتقاد بر اینکه تئاتر می‌تواند نقش موثری در نشان دادن جایگاه مهم روانکاوی و مشاوره در جامعه داشته باشد، اضافه کرد: با این نگاه، کار خود را بیشتر روان‌نگار می‌دانم یعنی اثری که آســـیب‌های روانی مختلف را در جامعه بررسی می‌کند و آنها را در مجرای اثری دراماتیک روی صحنه می‌آورد. البته این نوع آثار در تئاتر ما بســـیار اندک است مانند ژانر وحشت که در سینما کمتر رخ می‌دهد. جالب است که بعضی از تماشاگران این کار را در نوع ژانر وحشـــت دسته‌بندی می‌کنند ولی شخصا معتقدم بیشتر روان‌نگاری است.

این مدرس تئاتر با ابراز تاســـف از اینکه در جامعه نســـبت به روانکاوی موضع داریم، به آســـیب‌های این نگرش اشاره کرد و توضیح داد: در بســـیاری از کشـــورها افراد مشاوران ثابتی دارند که مدام با او در تماس هســـتند ولی در ایران افراد تا به مرز خطرناکی نرسند به روانکاو یا مشاور مراجعه نمی‌کنند. هدف من در اجـــرای این نمایش ایـــن بود که به دختران و حتی پســـران جوان آگاهی بدهم که در مناسبات خود با جنس مخالف، بسیار محتاط عمل کنند و با آموزش‌های درســـت کاری کنیم که کمتر به انتخاب‌های اشتباه دســـت بزنند. بحث دیگر نمایش این بود که نمی‌توانیم به مسائل روز بی‌اعتنا باشیم بلکه باید بکوشیم در دل اثر هنری، رخدادها را به روز کنیم چراکه متاسفانه چنین اتفاق‌هایی می‌تواند هـــر زمان در جامعه ما دوباره تکرار شود.

کیانی در ادامه این گفتگو درباره اجرای تئاتر در شـــرایط فعلی که هنوز بخشی از جامعه تئاتـــری با صحنه آشـــتی نکرده‌اند، توضیح داد: در چارچـــوب کلی اگر بخواهیم تئاتر را با دیگر هنرها بسنجیم، کنش‌مندترین هنر اجتماعی ماســـت. یعنی در قیـــاس با دیگر هنرها ظرفیت بیشـــتری دارد تا به مســـائل پیرامون خود واکنش نشان بدهد و کنش‌مند باشد. به همین دلیل تئاتر از دیرباز، پای در سیاست، فرهنگ و مسائل اجتماعی داشته و دارد و آثار بزرگ نمایشی از یونان باستان تا دوره‌های بعدی برآمده از همین نگاه اســـت. با ایـــن وصف، این کنش‌مندی در ذات تئاتر وجود دارد و بـــا این نگاه، اجرا کردن یا اجرا نکردن نمایش می‌تواند به کنشی اجتماعی تبدیل شود.

او اضافه کـــرد: در چند مـــاه اخیر برخی از هنرمندان بـــا اجرا نکردن، کنش‌مندی خود را نشان دادند اما با همین نگاه، کسانی دیگر با اجرای نمایش می‌خواهند کنش‌مند باشند. در هر حـــال در ذات تئاتر این کنش‌مندی وجود دارد و اجرا کردن و اجرا نکردن آن هر دو تصمیم‌هایی اجتماعی است ولی شخصا اجرا نکردن را دوست ندارم اما نسبت به آن گـــروه از همکارانم که اجرا نکردن را انتخاب کرده‌اند، عصبانیتی نـــدارم و معتقدم هر دو نگاه، محترم است.

این کارگردان تئاتر افزود: تصمیم من بر این بود که در این وضعیت چگونه می‌توان اثری را روی صحنه برد که نســـبت به جامعه‌مان بی‌اعتنا نباشد و این نگرش در همه کارهایم بوده است و اگر غیر از این باشد، آن نمایش را تئاتری به معنی کامل نمی‌دانم. حتی وقتی قرار است کاری بازتولید شود، باید مناسبات روز را در آن مورد توجه قرار داد.

کیانی درباره میزان ممیزی نمایشش با توجه به موضوع آن تصریح کرد: خوشبختانه مساله چندانی نداشـــتیم. مواردی جزیی بود که با گفتگو حل شد. همیشه نکته‌ام این است که تئاتر آنقدر که بعضی از دوستان فکر می‌کنند، نمی‌تواند سبب‌ساز تغییرات ناگهانی شود و همین که نمایشی دغدغه مسائل اجتماعی را دارد، باید قدرش را دانست.

نمایش «کافه کات» با بازی بهروز پناهنده، کهبد تاراج، ســـاناز روشنی، الهه شه‌پرست، حسام مختاری، مریم ندایی و هدا ناصح روی صحنه می‌رود.

این نمایش از چهارم اردیبهشـــت هر شب ســـاعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه به مدت ۲۵ شـــب روی صحنه است.

«نگهبانان کهکشان» گیشه تابستانی سینما را کلید زدند

قسمت ســـوم از فیلم ابرقهرمانی «نگهبانان کهکشـــان» در نخستین هفته اکران جهانی خود در آمریکا و دیگر کشورها به فروش ۲۸۲ میلیون دلای دست یافت.

به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی، ««نگهبانان کهکشان قسمت سوم » که پایانی بر سه گانه مارول درباره گروهی فرازمینی است، اکران خـــود را با فـــروش ۱۱۴ میلیـــون دلار در آمریکا آغاز کرد. این فیلم پس از انیمیشـــن «برادران ســـوپر ماریو» با ۱۴۶ میلیون دلار، دومین افتتاحیه بزرگ ســـال ۲۰۲۳ تاکنون است اما علی‌رغم فروش خوب در هفته اول به برآورد ۱۲۰ میلیون دلاری نرســـید و به میزان قابل توجهی کمتر از قســـمت قبلی خود «نگهبانان کهکشـــان قســـمت دوم» فروخت که در ســـال ۲۰۱۷ فروش آغازین ۱۴۶ میلیـــون دلاری را ثبت کرده بود. این فیلم در گیشـــه بین‌المللی هم ۱۶۸ میلیون دلار از محل ۵۲ بازار به فروش اضافه کرد و مجموع فروش جهانی خود را به ۲۸۲ میلیون دلار رساند. در چین، که زمانی قلمرو بزرگی برای آثار اســـتودیو مارول بـــود، اما به طور فزاینده‌ای نسبت به اکثر فیلم‌های‌هالیوودی روی خوشی نشان نمی‌داد، قسمت سوم فیلم «نگهبانان کهکشان» این فروش آغازین ۲۸ میلیون دلاری و بالاتر از حد انتظار کســـب کرد. برای «نگهبانان کهکشان قسمت سوم» چند هفته آینده بسیار مهم خواهد بود؛ زیرا فصل فیلم‌های تابســـتانی با «سریع و خشن ۱۰» در ۱۹ می و «پری دریایی کوچک» در ۲۶ می داغ‌تر می‌شود. برای این که سرنوشت شـــرم آور دیگر محصول مارول یعنی «مرد مورچـــه‌ای و زنبورک: شـــیدایی کوانتومی» که اوایل سال جاری به فروش ۱۰۶ میلیون دلاری کار خـــود را آغاز کـــرد و پس از آن در گیشه ســـقوط کرد و نتوانست به فروش جهانی ۵۰۰ میلیون دلاری برســـد، «فیلم جدید «نگهبانان کهکشـــان» در هفته‌های آتی نیز باید بدون ریزش ناگهانی مخاطب به کار خود ادامه دهد. این فیلم به نویسندگی و کارگردانی «جیمز گان» ساخته شده و در آن گروهی از بازیگران متشکل از «کریس پرت»، «زوئی ســـالدانیا»، «دیو باتیســـتا»، «وین دیزل»، «بردلی کوپر»، «سیلوستر استالونه»، «ویل پولتـــر» و «ماریا باکالوا» حضور دارند. در این قسمت، نگهبانان برای دفاع از جهان و محافظت یکی از خودشان دست به انجام ماموریتی می‌زنند.

اخبار کوتاه

رضا رویگری به تماشای نمایش «معرکه در معرکه» نشست

رضا رویگری، بازیگری که ســـال‌های دورتر روی صحنـــه تئاتر هم فعالیت چشـــمگیری داشت، شب گذشته، یکشـــنبه ۱۷ اردیبهشت ماه به تماشای نمایشـــی نشســـت که ۳۰ ســـال پیش خود در آن بازی کرده بود. نمایش «معرکه در معرکه» نوشـــته داود میرباقری به کارگردانی سیاوش تهمورث، این روزها در تالار اســـتاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است. این نمایش اولین بار ۳۰ ســـال پیش روی صحنـــه رفت. اجرایی که خاطره آن همچنـــان در ذهن تماشـــاگران آن دوره زنده اســـت. در آن مقطع رویا تیموریان، سیروس گرجســـتانی، ماهایا پطروسیان، سیاوش تهمورث و رضا رویگری بازیگران نمایش بودند. رویگری که در آن اجرا نقش شاگرد را بازی می‌کرد، حالا سال‌هاســـت که از صحنه تئاتر دور مانده و حتی کمتر توان و فرصت تماشـــای آثار نمایشی را دارد. با این حال شب گذشته به تماشاخانه ایرانشـــهر رفت و به تماشای نمایشی نشست که ۳۰ سال پیش در آن بازی درخشـــانی را ارایه کرده بود. در اجرای جدید، مجید رحمتی نقش شـــاگرد را بازی می‌کند. به گزارش ایســـنا، گفته می‌شود که میرباقری به درخواست تهمورث، نمایشنامه «معرکه در معرکه» را نوشته است. نمایشی درباره مرام و مســـلک پهلوان‌ها و لوطیان. تهمورث که حـــالا دوباره این نمایش را روی صحنه برده، همچنان در ستایشـــگر آن مرام و مســـلک است که امروز دیگر چندان اثری از آن نیست.

ارکستر ملی ایران در گرامی داشت روز جهانی هلال احمر نواخت

ارکســـتر ملی ایران به مناســـبت روز جهانی هلال احمر با رهبری همایون رحیمیان در تالار وحدت به روی صحنه رفت. به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل بنیاد رودکی، ارکســـتر ملی ایران در راستای مسئولیت اجتماعی خود با شـــعار «صلح و بشردوستی» به مناســـبت روز جهانی هلال احمر با رهبری همایون رحیمیان و با حضور مهدی ســـالم مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی، وحید ســـلیمی رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر و جمعی از مســـئولان این نهاد امروز- یکشـــنبه (۱۷ اردیبهشت)- در تالار وحدت روی صحنه رفـــت. در ابتدای این برنامه رئیس ســـازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر ضمن تبریک هفته هلال احمر در سخنانی اظهارداشت: سالی که سپری شـــد، پر از اتفاقات و حوادث مختلف بود و حوادث طبیعی و زلزله‌هایی در داخل و خارج از کشـــور اتفاق افتاد. سلیمی گفت: همچنین موضوع‌هـــای مختلفی در حوزه‌های بشردوســـتی و اقدامـــات قابل توجهی در ســـازمان‌های جوانان و امداد و نجات و داوطلبان به واســـطه حضور این داوطلبان، اعضا و داوطلبان پرتلاش جمعیت هلال احمر اتفاق افتاد که برای جمعیت هلال احمر باعث افتخار بود و این اقدامات و همچنین خدماتی که به واسطه زلزله شهرســـتان خوی و زلزله ترکیه ارایه شد، توسط فدراسیون جهانی صلیب ســـرخ مورد تقدیر قرار گرفت. وی افزود: برنامه‌های متنوعی برای گرامیداشـــت هفته هلال احمر و تجلیـــل از اعضا و داوطلبان جمعیت هلال احمر تدارک دیده شده است که یکی از این برنامه‌ها با همراهی بنیاد فرهنگی هنری رودکی اجرای ویژه ارکستر ملی ایران بود که از مدیریت بنیاد، رهبر و هنرمندان ارکســـتر تقدیر و تشکر می‌کنیم. سپس ارکستر ملی ایران به رهبری همایون رحیمیان به اجرای قطعاتی از موسیقی ایرانی پرداخت.در این برنامه به ترتیب قطعه‌های «سبکبال» از استاد حسین دهلوی، «سوئیت دشتی» از استاد جواد معروفی، «به یاد صبا» و «نغمه ترک» از استاد حسین دهلوی، «هشت بهشت» از استاد حسن کسایی و تنظیم استاد جواد معروفی، آهنگ «آذربایجان» از اســـتاد روح الله خالقی، «سرود گل» از استاد حسین دهلـــوی، «رنگ همایون» اثر درویش خان و تنظیم اســـتاد جواد معروفی و «ای ایران» اثر اســـتاد روح‌الله خالقی اجرا شدند. این دومین اجرای ارکستر ملی ایـــران برای اعضای جمعیت هلال احمر جمهوری اســـلامی ایران بود. پیش از این ارکســـتر ملی ایران به رهبری همایون رحیمیان ۱۳ آذر ۱۴۰۱ به مناسبت پنجم دسامبر، روز جهانی داوطلب و همبستگی با کار داوطلبانه و به افتخار فداکاری‌ها و خدمات داوطلبان هلال احمر در راستای مسئولیت اجتماعی بنیاد رودکی به روی صحنه رفته بود.

اردوی تفریحی کودکان در برنامه یک روز شاد با مادرم

اردوی‌های تفریحی- آموزشی ویژه کودکان خانه‌های کودک منطقه چهارده از ۱۸ تا ۲۷ اردیبهشت ماه سالجاری در مراکز فرهنگی هنری منطقه چهارده اجرا می شود. به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای اخلاق، به منظور ایجاد روحیه شادی و نشـــاط و تقویت روحیه امید در کودکان اردوهای تفریحی- آموزشـــی به مقصد موزه حیات وحش دارآباد و اقیانـــوس پارک به اجرا در می‌آید. بر اســـاس این خبر، موزه طبیعت حیات وحش دارآباد در بخش‌های متعدد، نمایشگر نمونه‌های زیستی است و مجموعه تفریحی اقیانوس پارک نیز محیط واقعی دریاهـــا و موجودات زنده ای که در آن زندگی می‌کنند را شـــبیه سازی کرده است. این خبر می‌افزاید: کودکان خانه‌های کودک ابوذر، زیتون، شـــکوفه، شهید اندرزگو و ابیانه به اتفاق مادرانشان روزهای ۱۸، ۲۰، ۲۵،۲۴ و ۲۷ اردیبهشـــت ماه ســـالجاری در اردوی تفریحی-آموزشی «یک روز شاد با مادرم» حضور دارند. موزه طبیعت حیات وحش دارآباد در میدان نیـــاوران، خیابان دارآباد بعد از آجودانیه، خیابـــان موزه و مجموعه تفریحی اقیانوس پارک در چهارراه جهان کودک، پارک آب و آتش قرار دارد.

پخش سریالی جدید با بازی زنده‌یاد شهرام عبدلی

پخش ســـریال طنز «از این به بعد» با بازی زنده‌یاد شهرام عبدلی به تازگی از شـــبکه نسیم آغاز شده اســـت. به گزارش ایسنا، مجموعه «از این به بعد» به کارگردانی آرمین قاســـم‌زاده یک اثر نمایشی اســـت که با محور افزایش دانش حقوقی و قضایی مردم روی آنتن شبکه نسیم می‌رود. در این مجموعه بازیگـــران مختلفی به ایفـــای نقش می‌پردازند که از جملـــه آنها می‌توان از زنده‌یاد شهرام عبدلی که پیش از این در این سریال بازی کرده است نام برد. از بازیگران این مجموعه می‌توان به رضا بنفشه‌خواه، سیروس همتی، گیتی معینی، آرش نوذری، رامین ناصر نصیر، کورش معصومی، حســـین رفیعی، فرهاد بشـــارتی، مهدی امینی خواه، آرش میراحمـــدی، آذین رئوف، بهراد خرازی، مهران ضیغمی و امیر زریوند اشاره کرد.

اعتصاب «چیزهای عجیب» را متوقف کرد

ســـاخت فصل پنجم و پاپانی ســـریال «چیزهای عجیب» به دلیل اعتصاب سراسری اعضای انجمن نویسندگان آمریکا متوقف شد.

به گزارش ایســـنا به نقل از مجله پیپل، برادران «دافر» به عنوان سازندگان ســـریال پرطرفدار «چیزهای عجیب» در حساب رسمی توییتر نوشتند: «در حالی که هیجان‌زده هســـتیم که تولید فصل پنجم و نهایی این ســـریال را با بازیگران و عوامل فوق‌العاده خود شـــروع کنیـــم، این موضع در طول این اعتصاب امکان‌پذیر نیســـت. امیدواریم به‌زودی به یک توافق عادلانه دست پیدا کنیم تا همه ما بتوانیم به کار خود بازگردیم.» انجمن نویسندگان آمریکا (WGA) با اعلام اختلافات گســـترده با استودیوهای فیلمسازی از چند روز پیش نخســـتین اعتصاب سراسری خود را در ۱۵ ســـال اخیر آغاز کرده‌اند. این انجمن در یک ســـند طولانی پیشنهاد داده بود در هر سریال تلویزیونی حداقل ۶ تا ۱۲ نویسنده بر اساس تعداد قسمت‌ها باید فعالیت داشته باشند اما این پیشـــنهاد از سوی اســـتودیوها پذیرفته نشـــد و آنها حتی پیشنهاد جایگزینـــی مطرح نکردنـــد. این صنف همچنین خواســـتار تضمین حداقل هفته‌های استخدام برای هر نویســـنده از ۱۰ هفته تا ۵۲ هفته شده بود اما اســـتودیوها این پیشنهاد را نیز رد کردند و پیشـــنهاد متقابلی ارائه نکردند. اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون آمریکا این دو موضوع را «نقاط اصلی اختـــلاف» خواند اما اعلام کرد که مایل بوده غرامت و دســـتمزد را افزایش دهد و حتی از آخرین پیشـــنهاداتش نیز فراتـــر برود؛ در صورتی که انجمن نویسندگان بر روی تحقق پیشـــنهادهای بزرگ خود اصرار و تاکید نداشت. نویســـندگان همچنین خواهان دریافت دستمزد از پخش مجدد برنامه‌ها در سامانه‌های نمایش آنلاین شدند، اما استودیوها این پیشنهاد را نیز رد کردند. طبق محاسبات این انجمن، این پیشنهادها ۴۲۹ میلیون دلار در سال هزینه خواهد داشـــت. این انجمن گفت که پیشنهادات متقابل استودیوها تنها ۸۶ میلیون دلار در سال است.

آخرین اعتصاب نویســـندگان در نوامبر ۲۰۰۷ آغاز شد و ۱۰۰ روز به طول انجامید و در ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ به پایان رســـید. ایـــن اعتصاب منجر به آثار ویرانگر در سراسر صنعت سینما و از دست دادن میلیاردها دلار شد.